

عشق است و آتش و خون

روز سوم به کارگردانی محمدحسین لطیفی
ادای دین به مقاومت مردم خرمشهر در روزهای نخست اشغال این شهر است

اما در فیلم لطیفی، همه رزمندگان به جز یک نفر شهید می‌شوند. نقش خواهر و برادر قصه را باران کوثری و پوریا پورسرخ بازی کردند. پورسرخ، کشف لطیفی در «وفا» بود و باران کوثری بازیگری که در «خوابگاه دختران»، «صاحب‌دلان»، «روز سوم» و «توفیق اجباری» با لطیفی همکاری کرد. بازیگران دیگر فیلم از جمله برزو ارجمند و مجید یاسر هم پیشتر با لطیفی همکاری کرده و تا سال‌های بعد هم این همکاری ادامه یافت. اما ستاره فیلم «روز سوم» حامد بهداد بود. بهداد در روزهای اوج، در نقشی متفاوت با پرسونای جوان عاصی و برونرا، نقش عاشقی را بازی کرد که جنگ و تهاجم به خرمشهر، او را در موقعیت انتقام‌جویی قرار داده بود. فواد (حامد بهداد) پیش از جنگ، دو سیما دارد. او دلبسته سمیره (باران کوثری) است و سمیره هم به او تمایل دارد اما جنگ، دو عاشق را در دو موقعیت متضاد قرار می‌دهد. سمیره می‌تواند نماد وطن باشد، نه تنها رضا، همه مردان شهر برای نجات او تا پای شهادت پیش می‌روند و دست آخر، سمیره است که از دل مهلکه و آتش، به کمک امیر (برزو ارجمند) جان سالم به در می‌برد.

یک بدمن دوست داشتی

حامد بهداد در نقش فواد، با هوشمندی از تبدیل کردن این شخصیت به یک بدمن منفور پرهیز کرده است. اگر چه افسر عراقی فیلم می‌تواند تنفرانگیز باشد، اما اجرای بهداد است که او را به شخصیتی خاکستری تبدیل کرده، یک ضدقهرمان جذاب که به فیلم گرما داده است. فواد، سیمایی آرام و محزون دارد و جنگ، برایش فرصتی است

فیلم مرتبط با روزهای جنگ در جشنواره بیست و پنجم، «اتوبوس شب» به کارگردانی کیومرث پوراحمد بود. فیلمی متفاوت در کارنامه این سینماگر که با درگذشت خسرو شکیبایی وجهی نوستالژیک یافته است. با گذشت بیش از یک دهه از آن روزها و آن دوره از جشنواره می‌توان گفت سه فیلم یادشده، وجوه مختلفی از جنگ و تاثیر آن بر زندگی مردم را به نمایش گذاشتند و با وجود کاستی‌ها و مشکلات فیلم‌ها، آثاری خاطره‌انگیز و به یادماندنی هستند. اگر چه هیچ‌یک در طراز بهترین‌های سینمای دفاع مقدس قرار نمی‌گیرند. نخستین فیلم مسعود ده‌نمکی «اخراجیها ۱» که یک کمدی جنگی بود، در این دوره روی پرده رفت، فیلمی که اگر چه در مراسم اختتامیه و در رقابت با دیگر فیلم‌های جشنواره موفقیتی به دست نیاورد، اما نوروز سال بعد اکران شد و فروش بالایی داشت.

یک داستان واقعی

بخش عمده جذابیت «روز سوم» به خط اصلی قصه آن برمی‌گردد. برادری در روزهای اشغال خرمشهر، نمی‌تواند خواهرش را از خانه خارج کند، او خواهر را در باغچه پنهان می‌کند، به این امید که بتواند بعد از دور شدن عراقی‌ها او را نجات بدهد. ایده اصلی فیلم بسیار جذاب است، نکته‌ای که این جذابیت را مضاعف می‌کند، واقعی بودن این ماجرای نفسگیر است. پیش از لطیفی، مستند «روز سوم» به کارگردانی حمید زرگرنژاد با همین موضوع ساخته شده و در جشنواره «سینماحقیقت» برنده جایزه کارگردانی شده بود. در ماجرای واقعی، شخصیت‌های اصلی نجات می‌یابند

محدثه واعظی پور

روزنامه‌نگار

در یکی از شب‌های سرد بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ و در حالی که بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر به روزهای پایانی نزدیک می‌شد، «روز سوم» بالاخره به سالن رسانه رسید. سالن اصلی سینما فلسطین، تا پاسی از شب، مملو از جمعیت کنجکاو بود که برای دیدن فیلم محمدحسین لطیفی مشتاق بودند. «روز سوم» از آن دست پروژه‌های خبرساز جشنواره بیست و پنجم بود که درباره‌اش حرف و حدیث زیاد شنیده می‌شد. لطیفی، بهترین مجموعه‌های کارنامه تلویزیونی‌اش «وفا» و «صاحب‌دلان» را در دهه هشتاد و قبل از «روز سوم» کارگردانی کرده بود و امید فراوانی به این فیلم وجود داشت. ترکیب بازیگران اصلی فیلم، حضور باران کوثری در نقش دختری جنوبی و حامد بهداد در نقش جوانی عراقی که دلبسته دختری ایرانی است، پیش از نمایش فیلم به مهمترین عامل جذابیت این پروژه تبدیل شده بود.

«روز سوم» در شتاب برای رسیدن به جشنواره ساخته شد و به عنوان فیلمی مهم درباره خرمشهر و مقاومت مردم این شهر، بالاخره به جشنواره رسید. آن سال مازیار میری با «پاداش سکوت» یکی دیگر از فیلم‌های بحث‌برانگیز سال، به جشنواره آمده بود. فیلمی که بر اساس داستانی از احمد دهقان اقتباس شده و به دلیل نگاهش به روزهای دفاع مقدس و وضعیت جامعه پس از آن، کنجکاوبرانگیز بود. دیگر

لمی به سوی ساحل



■ کارگردان:
رسول ملاقلی‌پور
■ تهیه‌کننده:
محسن آقاعلی‌اکبری
■ بازیگران: خسرو ضیایی،
بهزاد بهزادپور، جعفر دهقان
■ سال ساخت: ۱۳۶۴

در اواخر مهرماه ۱۳۵۹، هنگامی که خرمشهر در خطر سقوط قرار دارد، یک گردان از پاسداران به فرماندهی مرتضی برای کمک به رزمندگان این شهر از تهران حرکت می‌کند و چون جاده‌های آن حوالی در دست عراقی‌هاست، آنان بایستی از بندر ماهشهر به وسیله هلیکوپتر خود را به خرمشهر برسانند اما کوشش او برای در اختیار گرفتن هلیکوپتر ناکام می‌ماند و مرتضی گردانش را با یک لنج از طریق خلیج فارس به خرمشهر می‌رساند.

حریم مهرورزی



■ کارگردان:
ناصر غلامرضایی
■ نویسنده: اصغر عبدالمهی
■ بازیگران:
حبیب اسماعیلی، افسانه
بایگان، جمشید مشایخی
■ سال ساخت: ۱۳۶۵

صبریه، بیوه جوانی است که همسرش را در آبادان از دست داده و همراه با مهاجران جنگ با پدر و مادر و فرزندش در اقامتگاهی در تهران ساکن شده است. صبریه و حبیب با هم آشنا می‌شوند. ننه هاجر می‌میرد و مدتی بعد حبیب که کس و کاری ندارد با وساطت جابر، پیرمردی که در همان اقامتگاه ساکن است، صبریه را خواستگاری می‌کند. مراسم ازدواج آن‌ها با سوم خرداد، روز آزادی خرمشهر، مصادف است.

کیمیا



■ کارگردان:
احمد رضا درویش
■ تهیه‌کننده:
شرکت سهامی بخشیران
■ بازیگران:
خسرو شکیبایی، بیتا فرهی،
رضا کیانیان
■ سال ساخت: ۱۳۷۳

در آغاز جنگ ایران و عراق، همسر رضا باردار است و باید مورد عمل جراحی قرار گیرد. رضا او را به بیمارستان می‌رساند و خود به اسارت قوای دشمن در می‌آید. همسر رضا حین عمل جراحی می‌میرد و شکوه جراح، فرزند رضا را نجات می‌دهد. پس از گذشت نه سال، وقتی رضا از اسارت آزاد می‌شود، پی می‌برد که همه اعضای خانواده‌اش را از دست داده است. حال او در جستجوی تنها بازمانده خود، فرزندش است. کیمیا، فرزند رضا، نزد شکوه در مشهد زندگی می‌کند...

